

فرمود: "ما رأيتُ إلا جميلاً"\*( جز زیبا چیزی ندیدم) I saw nothing but beautiful

تجلی گاه انسان در رضا و تسلیم او به حق

هر که زین لبیک گو نیست، فراقناده زحق

گر خواهی لقای ذات حق بینی اندروصال

جزء حق را لا گو، ای در الطاف وصال

نور حق از شمع وجودت میگردد عیان

این عیان بگذاشته ای ، فنا کردی عیان

گوهر لبیک گویان باشد از علم الیقین

بعد از آن تراود از جانیشان، عین الیقین

هر که دیده باشد این منظر زیبای وجود

هم خود یافت ، هم تمام وجد او برحق نمود

باید آنجا رفت ، که پرچم حق کردند اهتزاز

آنکه ظالمان گشته ، در جمع باشد سرفراز

ظلم برافکندن ، وظیفه انسان است تا لحد

بہتر از این زندگانی ، بر فکرت ما نگذرد

سالار عشق فرمود ، ان الحیوة عقیدة و جہاد\*\*

غیر از این هر که خانه عنکبوتی را نهاد

خانه ای که در آن شمع هستی افروختند

صد هزاران پروانگان در آتش آن سوختند

در بر گرفته " نحن اقرب الیہ من حبل الوریث\*\*\*

چنین ریسمانی از نور حق، هیچ بیگانه ندید

"چونکه ریسمانی بر گردنم انداخته دوست "

"میکشد آنجا که خاطر انسان خواه اوست"

این شرط تسلیم و رضا، مظهر زیبایی است

راضیه و مرضیه، نفس آرام راضی است \*\*\*\*

از شهنشاهی یست که کند عشق حق را شکار

زینب کبرا بداندمعشوق صاحب ذوالفقار \*\*\*\*

چون که هستی از این نشئت مستی فزود

در چنین عشق بازی عباس سقا را ستود

در تسلیم است که برادری چنین نکوست

در شط آب از دست ریزد، از شرم دوست

گرچه بستند سدّ نامهربانی بر دلج و فرات

تشنگی آرد به فردا بر دجله ورود فرات

در خانه عشق خدائی مهمان گردند عاشقان

صد هزاران پروانه شیدا، سوی آتش روان

جزء جذبه ای نیست زین گوهر ناب وجود

جسم در زحمت است، تهی از هر چه جود

آنکه دارد عشق جانان در وجود هستیش

درد نشنود زین جسم ناقابل، در مستیش

هان بت پرست دارد، بتی از روح سرد

مجاهد، در شهادت ها نباشد خود پرست

قهرمانان جهان، شمع وجودند و رهنما

باید از آنان درس گیریم و راه و رسم صفا

گر نشینی در خانه احزان با جسم غمگسار

حسین سراز تن جدا، یزیدیان استرسوار  
چون سلیمانی باید برداعش خونخوار تاختن  
این جسم در نرد عشق بازی به جانان باختن  
سردار سپاه حق، زین مرآت زیبا تر ندید  
باید زیبائی را از ساربان کاروان حق شنید  
بس کن محمودا، تو زین اقیانوس دلدادگی  
گر هزاران سال گویند از آن، کم نگردهد خسی  
محمود صناعی پور مورخ 1399/6/18

\* سخن رانی زینب کبری در کاخ یزید در شام

\*\* در خطبه سالار شهیدان در واقعه کربلا

\*\*\* خدا میفرماید "من از رگ گردن به شما نزدیک تر هستم"

\*\*\*\* آیه شماره 28 سوره فجر از قرآن در مورد نفس مطمئنه

\*\*\*\*\* نام شمشیر رسول خدا(ص) که به علی ابن ابیطالب و بر حسب ارث به فرزندان ایشان رسید در واقعه کربلا ، در دستان حسین علیه السلام بود

و اما به جهت مناسبت محرم که امروز هم شانزدهم محرم می شود، آیه ای بر خلاف ترتیب متناسب با ایام و در شأن سید الشهداء که طبق نص تطبیق شده است، ان شاء الله بحث کنیم. آیه ای که امروز بحث می کنیم، عبارت است از آیه شماره 28 سوره فجر: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ ارجعي الي ربك راضيه مرضيه فادخلي في عبادي و ادخلي جنتي». «طبق روال بحثی مان اول به خود این آیه توجه کنیم که چه معنایی از این آیه به دست می آید و آن گاه نصوص را ببینیم و آن گاه هدفی که داریم که گفته شد مصداق این آیه نسا و تحلیلا سید الشهداء سلام الله تعالی علیه است.

We are nearer to him than his jugular vein

«ذوالفقار» به فتح فا و کسر آن، اسم شمشیر رسول الله (صلی الله علیه وآله) است. در وجه تسمیه این شمشیر گفته اند: پشت آن خارهای پست و بلندی مانند ستون فقرات آدمی داشته است.

ماجرای ذوالفقار، از یکی از جنگ های صدر اسلام نشأت می گیرد. جنگ احد یکی از سخت ترین جنگ های صدر اسلام است. در این جنگ خطرناک، آن که بیش از همه فداکاری می کرد و هر حمله ای که از جانب دشمن به پیغمبر می شد دفع می نمود، علی ابن ابی طالب (علیه السلام) بود.

علی (علیه السلام) با کمال رشادت می جنگید، تا اینکه شمشیرش شکست، پیغمبر (صلی الله علیه وآله) شمشیر خود را که موسوم به «ذو الفقار» بود، به امام علی (علیه السلام) داد. سرانجام پیغمبر (صلی الله علیه وآله) در جایی سنگر گرفت، و امام علی (علیه السلام) هم چنان از او دفاع می کرد، تا آنکه طبق نقل بعضی از مورخان بیش از شصت زخم به سر، صورت و بدن او وارد آمد، و در همین موقع بود که پیک وحی به پیامبر (علیه السلام) عرضه داشت: ای محمد! معنای مواسات همین است، پیغمبر فرمود: "علی (علیه السلام) از من است و من از او هستم" و جبرئیل افزود: و من هم از هر دو شما.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی می فرماید: "چون زمان قبض روح پیامبر رسید، علم و سلاح اش را به علی (علیه السلام)

داد. در حدیث دیگر، امام صادق (علیه السلام) می فرماید: "نزد من، انگشتر و زره و شمشیر و پرچم رسول خدا است" و امام رضا (ع) درباره ذوالفقار می فرماید: "ذوالفقار اکنون پیش من است". در روایتی دیگر از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: « و شمشیر آن حضرت هنگام ظهور، همان شمشیر پیامبر «ذوالفقار» است.»

بنابر روایات، ذوالفقار جزء وسایل مخصوصی است که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دیگر امامان -به ترتیب- به ارث رسیده است و امروز این شمشیر پر برکت، در دست امام عصر (علیه السلام) است

بنابر برخی از منابع شیعی، ذوالفقار پس از [امام علی \(ع\)](#) به [امام حسن \(ع\)](#) <sup>۱۱۴</sup> و سپس به [امام حسین \(ع\)](#) <sup>۱۱۵</sup> و در نهایت به [امام زمان \(عج\)](#) رسیده <sup>۱۱۶</sup> و اکنون در دست آن امام است. <sup>۱۱۷</sup> چنان که از [امام صادق \(ع\)](#) نقل شده است: "شمشیر امام زمان هنگام ظهورش، همان ذوالفقار است." <sup>۱۱۸</sup>

از امام صادق (ع) و [امام رضا \(ع\)](#) نقل شده است که ذوالفقار از [نشانه‌های امامت](#) است و در زمان امامان در دست آنان بوده است. <sup>۱۱۹</sup>

البته بنابر بعضی منابع تاریخی، ذوالفقار به دست نوه [امام حسن \(ع\)](#) به نام محمد بن عبدالله معروف به [نفس زکیه](#) افتاد و او بر ضد [منصور خلیفه دوم عباسی](#) قیام کرد و کشته شد، و در نهایت این شمشیر به [هارون خلیفه پنجم بنی عباس](#) رسید؛ <sup>۱۲۰</sup> و هنگامی که ترکان در حدود سال ۴۶۴ هجری قمری در [قاهره](#) بر مستنصر خلیفه [فاطمی](#) شوریدند و اموال آنان را غارت کردند، ذوالفقار سهم سلاطین شد. <sup>۱۲۱</sup>

ذوالفقار در فرهنگ شیعی